

إعرف الحق تعرف أهله

۱۶

سلسله پژوهش های اعتقادی

امامت امیر المومنین علیه السلام در سنجش خرد

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت امیرالمومنین (ع) در سنجش خرد المجلد ۱۶

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان و نام پدیدآور: امامت امیرالمومنین علیه‌السلام در سنجش خرد/ علی حسینی‌میلانی.

مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۷۸ص.

فروست:؛ ۱۶.

مرکز حقایق اسلامی؛ ۱۰۹.سلسله پژوهشهای اعتقادی؛ ۱۶.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۱۳-۲

وضعیت فهرست نویسی: برون‌سپاری.

یادداشت: ص.ع به انگلیسی: Imamate of the commander of the faithful...

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- .فضایل

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۳۷/۴/ح۵الف۶۷۸ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۵۹۴۲۸

سرآغاز ... ص: ۷

...آخرین و کامل‌ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلّی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرة العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۸

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلّی اللَّه علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق

اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلّی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۹

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۱۳

الحمد للَّه ربّ العالمین والصلاهٔ والسلام علی سیّدنا محمّد وآله الطّاهرین المعصومین ولعنهٔ اللَّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین

پیش‌گفتار ... ص: ۱۳

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

«أَ فَمَنْ یَهْدی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لایَهِدّی إِلّا أَنْ یُهْدی فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ»؛ «۱»

آیا کسی که به حق هدایت می کند برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کس که هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می کنید؟

واژه «حق» در لغت عرب به معنای پایداری و استوار بودن است.

منظور از این فراز آیه که می‌فرماید: «أَ فَمَنْ یَهْدی إِلَی الْحَقِّ»؛ «آیا کسی به

(۱). سوره یونس: آیه ۳۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۱۴

حق هدایت می کند» این است که آیا کسی که شما را به امور پایدار قطعی و یقینی راهنمایی می کند و به حقیقت و واقعیّت رهنمون

می‌سازد برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کسی که هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنید؟

خداوند متعال در این آیه ما را به یک قاعده عقلی راهنمایی می‌کند. قاعده‌ای که در نزد همه عقلای مسلمان و غیر مسلمان پذیرفته شده است که اگر گروهی بخواهند به واقعیّتی برسند و یا حقیقتی از حقایق دنیا برای آن‌ها کشف و ظاهر شود؛ به کسی مراجعه می‌کنند که به آن واقعیت آگاهی کامل داشته باشد تا آن‌ها را به آن حقیقت برساند. امّا کسی که به حقیقت و واقعیّت امر آگاهی ندارد، چگونه می‌تواند دیگران را هدایت کرده و از واقع امر باخبر سازد؟!

بنابراین انسان بایستی در برخی از حقایق و واقعیت‌ها به یقین و علم برسد و گمانِ به تنهایی کفایت نمی‌کند و حتّی نمی‌توان درباره آن‌ها به نظریات دیگران اکتفا کرد؛ بلکه باید برای خود انسان یقینِ به آن حقیقت حاصل شود.

از این رو عالمان شیعه و سنّی فتوا داده‌اند که در اعتقادات و اصول دین واجب است که انسان خود به یقین برسد و گمان کردن و تقلید از دیگران در عقیده کافی نیست. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۱۵

«إِنَّ الظَّنَّ لایُغْنی مِنَ الْحَقِّ شَیْئًا»؛ «۱»

به راستی که گمان، انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند و به حق نمی‌رساند.

این یک قاعده عقلی است که مورد اتّفاق تمام انسان‌هاست و قرآن مجید نیز به این قاعده تذکّر داده و ما را به آن راهنمایی می‌کند.

حال اگر بخواهیم در موضوعی، از میان دو نفر یکی را برگزینیم که یکی از آن‌ها عالم و داناست و می‌تواند دیگران را به عقاید صحیح و سالم هدایت کرده و حقیقت را برای آن‌ها آشکار سازد و دیگری شخصی است که خود نیاز دارد که کسی او را هدایت کند و دستش را بگیرد تا گمراه نشود. در این جا شما چگونه داوری می‌کنید؟ اگر ما بخواهیم به واقع برسیم و حقیقت برای ما روشن و واضح شود به کدام یک از آنان مراجعه می‌کنیم؟ آیا حاضر می‌شویم برای یادگیری اعتقاداتِ صحیح به سراغ شخصی که خود به هدایت و یادگیری نیاز دارد برویم؟

ما معتقدیم که امامت از اموری است که خدا باید آن را تعیین کند و مردم نقشی در این امر مهم ندارند و همان گونه که نبوّت منصبی است که خدا باید آن را مشخص کند؛ امامت نیز چنین است و میان امامت و نبوت در این جهت فرقی نیست.

بنابراین ما در شناخت امام به سندی محکم و یا دلیل‌های واضح

---

(۱). سوره یونس: آیه ۳۶ و سوره نجم: آیه ۲۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۱۶

و روشنی نیاز داریم که بیان کند رهبر و پیشوای مردم این شخص است؛ چرا که او خود هدایت یافته و هدایت‌گر است.

هم‌چنین اگر بر معصوم بودن شخصی و یا اشخاصی دلیل آورده شود، با وجود ملکه عصمت در وجود یک انسان، عقل به ما اجازه نمی‌دهد که به غیر او مراجعه کرده و هدایت یابیم. از این رو گفته‌اند که امامت یا باید با سندی محکم و یا با دلیلی عقلی اثبات شود و سند محکم نیز یا قرآن است و یا سنّت قطعی.

آخرین دلیل لفظی که در این باره مطرح شده حدیث منزلت است که از سه جهت بر امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام دلالت می‌کند. این حدیث افزون بر سند قطعی بودن بر امامت آن حضرت، دلیل واضح و روشنی بر معصوم بودن و برتری آن حضرت از دیگر صحابه رسول خدا است. «۱» کتابی که فرا روی شماست نگاهی عقلی به مسأله امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام دارد که با دلیل عقلی امامت آن حضرت را اثبات می‌نماید. این پژوهش در دو بخش تنظیم شده است:

۱. ویژگی‌های امام؛

۲. ویژگی‌های امیر مؤمنان علی علیه السلام.

سید علی حسینی میلانی

---

(۱). برای آگاهی بیشتر ر. ک: نگاهی به حدیث منزلت از همین نگارنده.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۱۹

بخش یکم ویژگی‌های امام ... ص: ۱۹

ویژگی‌های پذیرفته شده برای امام ... ص: ۱۹

اشارهٔ

اهل سنّت کتاب‌هایی را در علم عقاید و کلام نوشته‌اند؛ کتاب‌هایی هم‌چون: المواقف فی علم الکلام تألیف قاضی ایجی، شرح المواقف نگارش شریف جرجانی، شرح قوشچی بر التجرید، شرح المقاصد تألیف سعدالدین تفتازانی، شرح العقائد النسفیّه و دیگر کتاب‌های مهمّ اعتقادی.

آنان در این کتاب‌ها بحث‌هایی را درباره امام مطرح و فصل‌هایی را بیان کرده‌اند. از فصل‌های مطرح شده در این کتاب‌ها انتخاب امام است که انتخاب امام به اختیار مردم است و خداوند متعال در این امر نقشی ندارد. این دیدگاه با اعتقاد شیعه امامیّه مخالفت دارد.

آنان در فصل دیگر، شروطی را در امام لازم می‌دانند و می گویند:

کسی را که مردم برای رهبری جامعه انتخاب می‌کنند باید دارای تمام این شروط باشد تا برای این امر مهم از سوی مردم برگزیده شود، آن گاه شروط و اوصافی را برای امام بیان کرده‌اند و آن‌ها را به دو بخش

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۲۰

تقسیم نموده‌اند:

۱. شروطی که تمام علما آن‌ها را قبول دارند؛

۲. شروطی که مورد اختلاف میان علما است.

در این نوشتار شرطهایی را که اهل سنّت در تعیین امام بیان کرده‌اند بررسی می‌کنیم تا ببینیم آن ویژگی‌های لازم برای جانشینی پس از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در چه کسی وجود داشته است.

البته ما در این بررسی از روش شیعیان در تعیین امام چشم پوشی می‌نماییم و بنا بر همان روش اهل سنّت درباره این ویژگی‌ها گفت و گو کرده و با دقّت آن‌ها را بررسی می‌نماییم.

۱. علم و دانش ... ص: ۲۰

نخستین شرطی که اهل سنّت در امام لازم می‌دانند علم و دانش اوست؛ یعنی باید امام به اصول و فروع دین آگاهی کامل داشته باشد، به گونه‌ای که بتواند برای حقانیّت این دین، دلیل و برهان بیاورد. اگر شبهه‌ای وارد کردند قدرت فکری او باید به اندازه‌ای باشد که بتواند در برابر شبهه‌ها و اشکال‌هایی که از ناحیه مخالفان مطرح می‌شود، ایستادگی کرده و آن‌ها را برطرف کند.

۲. شجاعت و دلیری ... ص: ۲۰

دومین شرطی که اهل سنّت در امام لازم می‌دانند، شجاعت

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۲۱

و دلیری است.

امام باید به‌گونه‌ای شجاع باشد که بتواند در تمام جنگ‌ها حاضر شود و لشکر اسلام را برای نبرد با دشمن آماده کند و در صورت حمله دشمن، نه تنها جبهه جنگ را ترک نکند؛ بلکه با تمام قدرت در برابر حمله آن‌ها بایستد و از حریم دین و جماعت مسلمانان دفاع کند.

۳. عدالت و دادگری ... ص: ۲۱

سومین شرط در امام، عدالت است؛ یعنی امام باید در راه و روش و زندگی کردن با مردم، عدالت داشته باشد. در جایی که می‌خواهد بین مسلمانان داوری کند، به عدالت قضاوت کند، بیت المال را میان مسلمانان عادلانه تقسیم نماید و در تمام کارهای شخصی و اموری که مربوط به همه مسلمانان می‌شود عدالت را رعایت کند.

تمام دانشمندان اهل سنّت در کتاب‌های خود این سه شرط را برای امام آورده‌اند و بنا بر دیدگاه آن‌ها کسی که به انتخاب مردم به مقام امامت می‌رسد بایستی آن‌ها را دارا باشد.

نمونه‌ای از دیدگاه دانشمندان اهل سنّت ... ص: ۲۱

برای آگاهی از دیدگاه دانشمندان اهل سنّت به نمونه‌ای اشاره می‌نماییم. در کتاب المواقف فی علم الکلام و شرح المواقف که مهم‌ترین کتاب در علم کلام در میان اهل سنّت است، چنین آمده است:

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۲۲

مقصد دوم: شروط امامت.

تمام عالمان بر این اعتقادند که فردی برای امامت و رهبری مردم شایستگی دارد که در اصول و فروع دین به مقام اجتهاد رسیده و در دین مجتهد باشد تا مسائل و امور دین را بیان کند و در برابر شبهاتی که در دین وارد می‌شود بایستد و با دلیل و برهان آن‌ها را پاسخ داده و از دین خود دفاع کند.

امام بایستی در امور و مسائل اختلافی که به او رجوع می‌شود چنان قدرتی داشته باشد که با یک فتوا و یا حکم، اختلاف میان مسلمانان را برطرف کرده و نظام جامعه را در اختیار خود بگیرد؛ چرا که از مهم‌ترین اهداف امامت همین مسأله است که در مرحله نخست اعتقادات دینی را با قدرت علمی خود حفظ کند و برای حلّ شبهه‌ها، دلیل و برهان کافی در اختیار داشته باشد و در مرحله دوم اختلافات و دشمنی‌های میان مسلمانان را با درایت کامل از میان بردارد و در قضاوت کردن بین آن‌ها عدالت را رعایت کند. این شرطی است که هرگز امامت بدون آن کامل نمی‌شود». «۱» بنابراین با توجه به این بیان، امام بایستی دارای دو شرط باشد:

---

(۱). شرح المواقف: ۸/ ۳۴۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۲۳

۱. علم؛

۲. شجاعت.

البتّه در جای دیگر در کتاب المواقف و شرح المواقف چنین آمده است:

«در مقابل گفته مشهور، عدّه‌ای گفته‌اند: این اوصاف لازم نیست در امام جمع باشد؛ زیرا که هم اکنون کسی نیست که صاحب همه این ویژگی‌ها باشد».

گفتنی است که این کتاب در قرن هفتم یا هشتم هجری نوشته شده است. در میان کسانی که در آن زمان حکومت می‌کردند این صفات جمع نبوده است. از این رو اهل سنّت باید این شرطها را در امام لازم ندانند و به امامت نادان و ترسو حتّی گناه‌کار و آلوده عقیده داشته باشند.

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، آنان سومین شرط امامت را عدالت و دادگری برشمرده‌اند. صاحب المواقف درباره این شرط می‌نویسد:

آری، لازم است امام عادل باشد تا به مردم ستم نکند؛ چرا که همانا شخص فاسق، گاهی اموال مسلمانان را در اهداف شخصی خود خرج می‌کند و با این عمل، حقّ دیگران از بین می‌رود. پس این ویژگی‌ها در امام معتبر و مورد اتفاق است.

آن گاه چنین می‌گوید:

در این جا ویژگی‌های دیگری نیز مطرح شده است؛ اما در این که از شروط امامت هستند یا نه در میان علما اختلاف شده است. «۱»

بررسی عقلی این دیدگاه ... ص: ۲۴

ما با اهل سنّت با این دیدگاه بحث می‌کنیم که از نظر عقلی این سه شرط را در امام لازم بدانیم. از طرفی فرض می‌کنیم که انتخاب امام، با رأی و اختیار مردم صورت می‌گیرد؛ از این رو تنها اختلاف ما درباره امام پس از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله است؛ چرا که ما می‌گوییم امام پس از پیامبر، علی بن ابی طالب علیهما السلام است و آنان به امامت ابوبکر عقیده دارند.

اکنون سخن در این است که ویژگی‌هایی را که همه اهل سنّت در امام لازم می‌دانند و می‌گویند مردم باید کسی را انتخاب کنند که هر سه شرط را دارا باشد؛ آیا این ویژگی‌ها در علی بن ابی طالب نیز بوده است، یا به ابوبکر اختصاص دارد؟

البته ما در این جا با چشم‌پوشی از کتاب و سنّت بحث می‌کنیم؛ زیرا قرآن، سنّت پیامبر و دلیل‌های دیگر، بیان‌گر امامت علی بن ابی طالب علیهما السلام بوده و آن را به اثبات می‌رسانند.

---

(۱). همان.

عقل می‌گوید: سرپرست و راهنمای یک جمعیّت و جانشین پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله باید همه این ویژگی‌ها را دارا باشد، ما نیز همانند اهل سنّت همه این اوصاف را در امام لازم می‌دانیم، گرچه عصمت امام نیز که مرتبه‌ای بالاتر از عدالت است در نزد ما معتبر است؛ ولی در همان ویژگی‌هایی که آنان قبول دارند بحث کرده و از روش خود چشم‌پوشی می‌کنیم.

اکنون می‌گوییم: اگر این ویژگی‌هایی که در نزد اهل سنّت معتبر است در علی بن ابی طالب جمع باشد، او امام و پیشوا خواهد بود و اگر در فرد دیگری باشد او چنین شایستگی را دارد و اگر این ویژگی‌ها در هر دو فرد جمع باشد، بررسی می‌کنیم که کدام یک این ویژگی‌ها را در بالاترین مرتبه‌اش داراست تا او را به عنوان امام برگزیده و بر دیگری مقدّم کنیم. در غیر این صورت اگر شخصی را که بهتر است، کنار زده و دیگری را بر او مقدّم کنیم از نظر عقلی کار قبیحی خواهد بود، با این که قرآن در این باره

می‌فرماید:

«أَ فَمَنْ یَهْدی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لایَهِدّی»؛ «۱»

آیا کسی که به حق هدایت می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کس که هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟

---

(۱). سوره یونس: آیه ۳۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۲۶

به راستی آیا شخص عالم و آگاه، برای راهنمایی مردم سزاوارتر است یا کسی که نادان و بی‌خرد است؟

بر فرض این که هر دو رهبر عالِم باشند، آیا کسی که آگاه‌تر است مقدم است یا نه؟

آیا کسی که عادل است شایستگی رهبری مردم را دارد یا کسی که به مردم ظلم روا می‌دارد؟

آری، ما برای پاسخ این پرسش‌ها باید به عقل و عقلا رجوع کنیم که سخن ما نیز در همین زمینه است.

اهل سنّت می‌گویند که این ویژگی‌ها مورد اتفاق دانشمندان است؛ اما در این که امام، هاشمی و یا قریشی باشد، معصوم و یا آزاد باشد، اختلاف وجود دارد. گرچه آنان حدیثی را به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نسبت می‌دهند که آن حضرت به پیروی از کسی که بر مسلمانان ولایت دارد امر کرده است هر چند آن حاکم، برده باشد.

ویژگی عصمت را نیز شیعیان معتقدند؛ ولی دیگران لازم نمی‌دانند و در دیگر صفات نیز اختلاف شده است، همان گونه که گفتیم اهل سنّت فقط درباره سه ویژگی اتفاق نظر دارند: علم، شجاعت و عدالت که محور پژوهش ما بر این ویژگی‌ها می‌چرخد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۲۹

بخش دوم ویژگی‌های امیرمومنان علی علیه السلام ... ص: ۲۹

یکم. علم و دانش ... ص: ۲۹

اشارهٔ

پیش‌تر گفتیم که نخستین شرطی که همه دانشمندان اهل سنّت در امام لازم می‌دانند علم و دانش اوست.

ما در این بخش سیره و زندگی امیر مؤمنان علی علیه السلام و ابوبکر و آن چه را که درباره حضرت علی علیه السلام و ابوبکر گفته شده است بررسی می‌کنیم تا روشن شود جایگاه علمی علی علیه السلام و ابوبکر کجاست و رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله، اصحاب پیامبر و دیگر اندیشمندان اسلامی درباره علی بن ابی طالب علیهما السلام و ابوبکر چه گفته‌اند.

البته ما هرگز به گفته‌های آن دو درباره خودشان نظر نداریم که امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند:

علّمنی رسول اللَّه صلی اللَّه علیه وآله ألف باب من العلم یفتح لی

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۳۰

من کلّ باب ألف؛ «۱»

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله هزار نکته علمی را برای من روشن ساختند که از هر نکته و حقیقت آن هزار حقیقت دیگر گشوده می‌شود.

چرا که فرض ما این است که این حدیث از شخص علی علیه السلام نقل شده است. در روایت دیگری آمده که حضرت علی علیه السلام بارها می‌فرمود:

سلونی قبل أن تفقدونی؛ «۲»

پیش از این که از میان شما بروم از من بپرسید.

و حال آن که هرگز ابوبکر در طول زندگی خویش چنین جمله‌ای را به زبان نیاورده است.

ما گرچه در جای خود درباره این روایات که اهل سنّت نیز نقل کرده‌اند بحث خواهیم کرد؛ ولی هم اکنون سخنان دیگران را درباره حضرت علی علیه السلام و ابوبکر بررسی می‌کنیم تا پس از آن بتوانیم هر کدام را که شایسته‌تر است برای امر امامت و رهبری مردم انتخاب کنیم.

---

(۱). کنز العمّال: ۱۳/ ۱۱۴، حدیث ۳۶۳۷۲ و ص ۱۶۵، حدیث ۳۶۵۰۰.

(۲). این حدیث را احمد بن حنبل در کتاب فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و ابن سعد، ابن عبدالبرّ و دیگران نقل کرده‌اند: ر. ک: الاستیعاب: ۳/ ۱۱۰۳، الریاض النضره: ۲/ ۱۶۶ و ۱۶۷، الصواعق المحرقه: ۱۹۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۳۱

ویژگی‌های علمی علی علیه السلام از دیدگاه پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله ... ص: ۳۱

۱. دروازه دانش نبوی ... ص: ۳۱

اکنون درباره نخستین شرطی که در امام لازم است بحث می‌کنیم که همان علم و قدرت کافی برای استدلال کردن و دلیل و برهان آوردن است.

حال باید دید این شرط مهم و اساسی برای امامت، در چه کسی وجود داشته است و اخبار و احادیثی که از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله رسیده، این فضیلت را برای کدام یک از اصحاب خود ثابت کرده است.

تمام دانشمندان اهل سنّت در کتاب‌های خود این حدیث شریف را از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله آورده‌اند که ایشان فرمودند:

أنا مدینهٔ العلم وعلیّ بابها؛

من شهر علم و دانش هستم و علی دروازه آن است.

ما نام تمامی کسانی که این حدیث را در کتاب‌هایشان آورده‌اند ذکر می‌کنیم:

۱. عبدالرزاق بن همّام صنعانی؛

۲. یحیی بن مَعین. کسی که پیشوا در علم رجال و خدشه نمودن در اسناد حدیث است؛ ولی با این وجود، این حدیث را رد نکرده و آن را صحیح دانسته است؛

۳. احمد بن حنبل؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۳۲

۴. تِرمذی؛

۵. ابوبکر بزّار؛

۶. محمّد بن جریر طبری؛

۷. طبرانی؛

۸. ابوالشیخ؛

۹. ابن سقّا واسطی؛

۱۰. ابن شاهین؛

۱۱. حاکم نیشابوری؛

۱۲. ابن مردویه؛

۱۳. ابونعیم اصفهانی؛

۱۴. ماوردی؛

۱۵. خطیب بغدادی؛

۱۶. ابن عبدالبر؛

۱۷. سمعانی؛

۱۸. ابن عساکر؛

۱۹. ابن اثیر جزری؛

۲۰. ابن نجّار؛

۲۱. جلال الدین سیوطی؛

۲۲. قسطلانی؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۳۳

۲۳. ابن حجر مکی؛

۲۴. متقی هندی؛

۲۵. ملا علی قاری؛

۲۶. مَنّاوی؛

۲۷. زرقانی؛

۲۸. شاه ولی اللَّه دهلوی.

همه اینان و عالمانی دیگر در کتاب‌هایشان روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در شأن و منزلت علی علیه السلام چنین فرمود:

أنا مدینة العلم وعلی بابها؛ «۱»

من شهر علم و دانش هستم و علی دروازه آن است.

---

(۱). تهذیب الآثار، مسند الإمام علی علیه السلام: ۱۰۵، حدیث ۱۷۳، سنن ترمذی. آن سان که در جامع الأُصول: ۸/ ۶۵۷ و تاریخ الخلفاء سیوطی: ۱۳۵ و دیگر منابع آمده است. المعجم الکبیر: ۱۱/ ۶۵، حدیث ۱۱۰۶۱، تاریخ بغداد: ۴/ ۳۴۸، ۷/ ۱۷۲، ۱۱/ ۲۰۴، الاستیعاب: ۳/ ۱۱۰۲، فردوس الأخبار: ۱/ ۷۶، أُسد الغابه: ۴/ ۲۲، الریاض النضره: ۲/ ۱۵۹، تهذیب الکمال: ۲۰/ ۴۸۵، تاریخ جرجان: ۶۵، تذکرة الحفاظ: ۴/ ۱۲۳۱، البدایة والنهایه: ۷/ ۳۵۸، مجمع الزوائد: ۹/ ۱۱۴، اتحاف السادة المتقین: ۶/ ۲۲۴، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۲۶ و ۱۲۷، ترجمة الإمام علی علیه السلام من تاریخ مدینة دمشق: ۲/ ۴۶۴، حدیث ۹۸۴، الجامع الصغیر: ۱/ ۴۱۵، حدیث ۲۷۰۵، الصواعق المحرقه: ۱۸۹، کنز العمّال: ۱۱/ ۶۱۴ حدیث ۳۲۹۷۸ و ۳۲۹۷۹، فیض القدیر: ۳/ ۴۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۳۴

حال که این فضیلت برای حضرت علی علیه السلام ثابت شد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله برای غیر امیر مؤمنان علیه السلام نیز چنین سخنی فرموده است یا نه؟

۲. درِ خانه حکمت ... ص: ۳۴

یکی دیگر از سخنانی که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در حقّ علی بن ابی طالب علیهما السلام فرمودند این است که:

أنا دار الحکمة وعلی بابها؛

من خانه حکمت هستم و علی در آن خانه است.

این حدیث را نیز بیشتر دانشمندن عامّه نقل کرده‌اند؛ از جمله:

۱. احمد بن حنبل؛

۲. تِرمذی؛

۳. محمّد بن جریر طبری؛

۴. حاکم نیشابوری؛

۵. ابن مردویه؛

۶. ابونعیم اصفهانی؛

۷. خطیب تبریزی؛

۸. علائی؛

۹. فیروزآبادی؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۳۵

۱۰. ابن جَزَری؛

۱۱. ابن حجر عسقلانی؛

۱۲. جلال الدین سیوطی؛

۱۳. قسطلانی؛

۱۴. صالحی دمشقی؛

۱۵. ابن حجر مکّی؛

۱۶. متّقی هندی؛

۱۷. مَنّاوی؛

۱۸. زرقانی؛

۱۹. ولی اللّه دهلوی و دیگران.

همه اینان روایت کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله در حق امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

أنا دار الحکمة وعلی بابها؛ «۱»

من خانه حکمت هستم و علی در آن خانه است.

---

(۱). فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام: ۱۳۸ حدیث ۲۰۳، سنن ترمذی: ۶/ ۸۵، تهذیب الآثار «مسند علی علیه السلام»: ۱۰۴ حدیث ۸،

حلیهٔ الأولیاء: ۱/ ۶۴، مشکاهٔ المصابیح: ۲/ ۵۰۴ حدیث ۶۰۹۶، أسنی المطالب: ۷۰، الریاض النضره: ۲/ ۱۵۹، شرح المواهب اللدنیه: ۳/ ۱۲۹، الجامع الصغیر: ۱ / ۴۱۵ حدیث ۲۷۰۴، الصواعق المحرقه: ۱۸۹، کنز العمال: ۱۱ / ۶۰۰ حدیث ۳۲۸۸۹ و ۱۳ / ۱۴۷ حدیث ۳۶۴۶۲، فیض القدیر: ۳/ ۴۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۳۶

پس از نقل این دو حدیث شریف از پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله و اتّفاق نظر تمام عالمان اهل سنّت بر صحّت آن، می گوییم:

اگر رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در حقّ علی بن ابی طالب علیه السلام چنین سخنی فرموده است؛ پس چه کسی شایسته مقام امامت است؟

آیا امیر مؤمنان علی علیه السلام توانایی دارد که برای حقانیّت دین اسلام و دفع شبهات دلیل و برهان بیاورد یا کسی که در حق او چنین فضیلتی بیان نشده است؟

۳. بیان موارد اختلافی ... ص: ۳۶

یکی دیگر از احادیثی که بر توان علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام دلالت بیشتری دارد فرمایش رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به آن حضرت است که فرمود:

أنت تبیّن لأمّتی ما اختلفوا فیه من بعدی؛

تو پس از من هر آن چه امّت در آن اختلاف دارند واضح و آشکار می‌سازی.

با توجّه به این حدیث، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله علی علیه السلام را حاکم و قاضی در هر اختلافی بین امّت قرار داده است؛ خواه آن اختلاف مربوط به امور دنیایی باشد و یا اختلاف‌هایی که در حوزه دین مطرح می‌شود. در تمامی این اختلاف‌ها، حاکم و برطرف کننده آن‌ها از

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۳۷

میان امّت، علی علیه السلام است.

این حدیث را نیز عده بسیاری از اهل سنّت نقل کرده‌اند؛ از جمله:

۱. حاکم نیشابوری که این حدیث را صحیح دانسته است؛

۲. ابن عساکر در تاریخ مدینهٔ دمشق؛

۳. دیلمی؛

۴. جلال الدین سیوطی؛

۵. متّقی هندی؛

۶. مَنّاوی.

گروه دیگری نیز این حدیث را روایت کرده‌اند «۱» که چنین حدیثی در حقّ هیچ یک از اصحاب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بیان نشده است.

۴. گوش شنوا ... ص: ۳۷

در روایتی آمده است: زمانی که آیه «وَتَعِیَها أُذُنٌ واعِیَةٌ»؛ «۲»

«و گوش‌های شنوا آن را دریابد و بفهمد» نازل شد، دیدیم که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله فرمودند:

---

(۱). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۲۲، ترجمهٔ الامام علی علیه السلام من تاریخ مدینهٔ دمشق: ۲/ ۴۸۷ و ۴۸۸، حدیث ۱۰۰۷، ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹، کنز العمّال: ۱/ ۶۱۵، حدیث ۳۲۹۸۳، حلیهٔ الاولیاء: ۱/ ۶۴.

(۲). سوره حاقه: آیه ۱۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۳۸

أنّ علیّاً هو الاذن الواعیهٔ؛

به راستی که علی همان گوش شنوایی است که آن را به خاطر می‌سپارد.

پس قلب مقدّس امیر مؤمنان علی علیه السلام ظرف است برای آن چه از طرف خداوند متعال نازل می‌شود و ایشان، همان کسی است که تمام حقایق جهان هستی را به خاطر می‌سپارد و حامل علم رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله خواهد بود. این حدیث را می‌توان در کتاب‌های ذیل جست و جو کرد:

۱. تفسیر طبری؛

۲. تفسیر الکشّاف؛

۳. تفسیر رازی؛

۴. تفسیر الدرّ المنثور.

جلال الدین سیوطی در همین کتاب، این حدیث را از سعید بن منصور، ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی حاتِم، ابن مردویه، ابن عساکر، واحدی و ابن نجّار روایت کرده است.

۵. حلیهٔ الأولیاء؛

۶. مجمع الزوائد و کتاب‌های دیگر. «۱»

---

(۱). تفسیر طبری: ۲۹/ ۳۵ و ۳۶، تفسیر الکشاف: ۴/ ۱۵۱، تفسیر فخر رازی: ۳۰/ ۱۰۷، تفسیر الدرّ المنثور: ۸/ ۲۶۷، مجمع الزوائد: ۱/ ۱۳۱، حلیهٔ الأولیاء: ۱/ ۶۷، نظم درر السمطین: ۹۲، شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید: ۷/ ۲۲۰، کنز العمال: ۱۲/ ۱۳۵ حدیث ۳۶۴۲۶۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۳۹

۵. بهترین داور ... ص: ۳۹

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در حدیثی دیگر فرمودند:

أقضاکم علی؛

بهترین شما در امر قضاوت و داوری علی است.

همان طور که صاحب شرح المواقف گفت علّت نیاز ما به امام این است که در همه اختلافات، درگیری‌ها و مشکلات باید به کسی رجوع کنیم که اختلاف را از بین مردم بردارد و با عدالت در میان آنان داوری کند. در این حدیث پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله می‌فرمایند:

أقضاکم علی؛

بهترین شما در امر قضاوت و داوری علی است.

چنین سخنی جز برای امیر مؤمنان علی علیه السلام، در حق هیچ یک از اصحاب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله گفته نشده است.

این حدیث در این کتاب‌ها آمده است:

۱. صحیح بخاری؛

۲. مسند احمد بن حنبل؛

۳. المستدرک علی الصحیحین؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۴۰

۴. سنن ابن ماجه؛

۵. الطبقات الکبری؛

۶. الإستیعاب؛

۷. السنن الکبری؛

۸. مجمع الزوائد؛

۹. حلیة الأولیاء؛

۱۰. أُسد الغابه؛

۱۱. الریاض النضره و کتاب‌های دیگر.

حال گناه ما چیست اگر بگوییم تنها کسی که برای امامت و رهبری مردم صلاحیّت دارد علی بن ابی طالب علیهما السلام است؛ حتی اگر این امر به مردم هم واگذار شود و آن‌ها بخواهند کسی را برای امامت و پیشوایی انتخاب کنند باید امیرالمؤمنین علیه السلام را برگزینند؛ چرا که ضابطه‌هایی که اهل سنّت در علم کلام مطرح کرده‌اند و آن‌ها را در امام لازم و واجب می‌دانند در هیچ انسانی جز فرزند ابی طالب پیدا نمی‌شود.

آن چه تا کنون به اختصار بیان شد سخنان رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله درباره جایگاه و مقام علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام بود. از این سخنان استفاده می‌شود که آن کسی که می‌تواند در دفاع از آیین نورانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۴۱

اسلام دلیل و برهان بیاورد و شبهه‌های مطرح شده را دفع کند علی بن ابی طالب علیهما السلام است و اوست که از طرف رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در همه اختلاف‌ها و درگیری‌ها مرجع قرار داده شده و تنها کسی است که پس از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله با علم و دانش سرشارش اختلاف‌ها را از میان برمی‌دارد.

سخنان اصحاب در مقام علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام ... ص: ۴۱

اصحاب درباره مقام علمی امیر مؤمنان علی علیه السلام سخنان بسیاری گفته‌اند. ما فقط سخن یکی از بزرگان اصحاب را در شرح حال آن حضرت می‌آوریم که این کلام شامل شهادت بزرگان صحابه رسول خدا و تابعین در عظمت علمی امیرالمؤمنین علیه السلام است.

حافظ نوَوی در کتاب تهذیب الاسماء واللغات در توصیف امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌گوید:

او یکی از عالمان ربّانی، دلاوران مشهور و عابدان مورد توجّه مردم بود. او نخستین کسی بود که اسلام آورد.

تا آن جا که گوید: علم و دانش او در بالاترین درجات علمی است؛ چرا که او پانصد و هشتاد و شش حدیث از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله روایت کرده که بُخاری و مسلم بر بیست حدیث از آن‌ها اتفاق نظر دارند. بُخاری بر نُه حدیث و مسلم بر پانزده

حدیث نظر صحیح دارد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۴۲

سه فرزند حضرت علی علیه السلام، حسن، حسین و محمّد بن حنفیّه از او روایت کرده‌اند. هم‌چنین ابن مسعود، ابن عمر، ابن عباس، ابوموسی، عبداللَّه بن جعفر، عبداللَّه بن زبیر، ابوسعید، زید بن ارقم، جابر بن عبداللَّه و جمعی دیگر از تابعان شناخته شده از او حدیث روایت کرده‌اند.

در روایتی از ابن مسعود نقل شده که گوید: ما از بهترین قاضی و حاکم مدینه، علی بن ابی طالب حدیث نقل می کنیم.

ابن مسیّب می گوید: هیچ انسانی پیدا نشد که این جمله از دهان او خارج شود و بگوید: «سلونی قبل أن تفقدونی؛ پیش از این که از میان شما بروم از هر چه می‌خواهید از من بپرسید» جز علی بن ابی طالب.

ابن عباس گوید: به علی بن ابی طالب علیهما السلام نُه درجه از ده درجه علم و دانش اعطا شده است و به خدا سوگند که در آن یک درجه دیگر نیز او با دیگران شریک است.

وی می‌افزاید: اگر چیزی از طرف علی بن ابی طالب برای ما روشن و ثابت می‌شد، دیگر به غیر او مراجعه نمی کردیم.

آن گاه نَوَوی می گوید: پرسش بزرگان اصحاب- ابوبکر، عمر، عثمان و افراد دیگری از عشره مبشّره- از علی بن ابی طالب علیهما السلام

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۴۳

و مراجعه آن‌ها به دستورات آن حضرت و داوری‌های او در مشکلات پیچیده و موارد بسیاری مشهور بوده و قابل انکار نیست. «۱» حال که بزرگان از اصحاب در مشکلات علمی به علی علیه السلام رجوع می کردند و به دستور او عمل می‌نمودند و حتی یک مرتبه هم دیده نشده که آن حضرت به یکی از آن‌ها نیاز داشته باشد و در امر قضاوت به آن‌ها مراجعه کند؛ عقل ما در این جا چه حکمی می کند؟ و شما چگونه داوری می کنید؟

نیاز نداشتن حضرت علی علیه السلام به هیچ یک از اصحاب ... ص: ۴۳

اشارهٔ

همان گونه که نَوَوی تصریح کرد، همه بزرگان از اصحاب در مشکلات علمی به علی بن ابی طالب علیهما السلام رجوع می کردند و آن حضرت به هیچ یک از آن‌ها مراجعه نکرده است. موارد بسیاری را نیز ابن حزم اندلسی در گفتاری طولانی ذکر کرده که جهل و نادانی بزرگان صحابه در مسائل و احکام دین و رجوع آن‌ها برای حلّ مشکل به دیگران از آن جمله است. در این گفتار طولانی ابن حزم، حتّی یک مورد نیز وجود ندارد که بگوید علی بن ابی طالب علیهما السلام به یکی از افراد امّت مراجعه کرده است.

---

(۱). تهذیب الاسماء واللغات: ۱/ ۳۴۴- ۳۴۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۴۴

ابن حزم می گوید: ما در کتاب‌ها این گونه یافتیم که بزرگان از اصحاب اقرار و اعتراف کرده‌اند که بسیاری از احکام و سنّت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به آن‌ها نرسیده است. حدیثی که از ابوهریره در این باره رسیده مشهور است که می گوید: «برادران مهاجر من در بازارها برای جلب مشتری دست روی دست می‌زدند و برادران انصاری من نیز سرگرم نگهداری از ثروت‌ها و دارایی‌های

خود بودنـد»، در حـالی که نه بـازار علی علیه السـلام را به خود مشـغول کرده بود و نه به اموال و دارایی‌هایش فکر می‌کرد؛ بلکه او روز و شب فقط ملازم رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بود.

۱. نگاهی به علم و دانش ابوبکر ...! ص: ۴۴

ابن حزم در جـای دیگر بـا اشاره به نیاز ابوبکر در حکم شـرعی به مغیرهٔ بن شـعبه می‌گویـد: ابوبکر از مقـدار تعیین شـده ارث برای مادربزرگ آگاهی نداشت و محمّد بن مسلمه و مغیرهٔ بن شُعبه او را راهنمایی کردند.

هم‌چنین همین ابوبکر نمی‌دانست که کفن رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله چه مقدار بود تا این که از دخترش عایشه پرسید [!]

ابن حزم اندلسـی موارد دیگری را ذکر می‌کنـد که در همه آن‌هـا بزرگان اصـحاب به حکم شـرعی جاهل بوده و به دیگران مراجعه می‌کردند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۴۵

۲. اعتراف عمر ... ص: ۴۵

آن گاه ابن حزم اندلسـی می‌گویـد: عمر نیز در موارد بسـیاری به جهل و نادانی خود اعتراف می‌کرد. وی در حدیث استئذان گفت: من این مسأله را نمی‌دانم؛ چرا که خرید و فروش در بازار مرا به خود مشغول کرد.

هم‌چنین زمانی که او درباره زن بارداری بر خلاف قانون اسلام، حکم کرد و دیگران او را آگاه کردند، به نادانی خود اعتراف کرد.

هم‌چنین روزی بی‌جهت بر عیینهٔ بن حصن خشم نمود و حرّ بن قیس او را متوجّه اشتباهش ساخت.

در مـورد دیگری عمر و پیش از او ابـوبکر از حکم پیـامبر اکرم صـلی اللَّه علیه وآله که امر فرمود یهودیـان از دیـار و وطن خود دور شوند، نادان بودند.

هم‌چنین عمر در مسأله طاعون، فرمان رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را نمی‌دانست تا این که عبدالرحمان عوف به او آموخت.

جالب این که عمر نمی‌دانست رسول خـدا صـلی اللَّه علیه وآله در نماز عید فطر و قربان کدام سوره را قرائت می‌فرمود با این که آن حضرت سال‌های زیادی این نماز را خوانده بودند؛ از این رو از ابوواقد لیثی پرسید و او به عمر قرائت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را آموخت [!]

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۴۶

ابن حزم اندلسی می‌افزاید: عمر نمی‌دانست باید با مجوسیان چگونه رفتار کند تا این که عبدالرحمان او را به فرمان رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله درباره آنان آگاه کرد.

از طرفی، وی خراج گرفتن از مجوسـیان بحرین را که یـک حکم مشـهور و معروفی بـود نمی‌دانست و فراموش کرده بود و شایـد از همین اموال بهره‌ای نیز برده بود.

عمر، حکم تیمّم جُنُب را نیز فراموش کرده بود و می‌گفت: هرگز فرد جنب نبایـد تیمم کنـد و تا آب پیـدا شود نبایـد نماز بخواند تا این که عمّار، حکم تیمّم را به او آموخت.

وی می‌خواست اموال کعبه را تقسیم کند؛ ولی سرگردان بود تا این که اصحاب او را به حقیقت امر آگاه کردند.

۳. علم و دانش عثمان و دیگران ...! ص: ۴۶

آن گاه ابن حزم اندلسی علم و دانش عثمان و دیگران را مطرح می کند و می گوید: عثمان چنین عمل کرده ... و این عایشه است و این حفصه ... و این هم عبداللّه بن عمر ... و این زید بن ثابت...

بـا این وجود حتی در یـک مورد هم دیـده نشـده که ابن حزم در مسأله‌ای بگویـد: «این جا علی بن ابی طالب مسأله را نمی‌دانست و برای

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۴۷

فهم آن به دیگری مراجعه کرده تا به حکم آن آگاه شود». آن چه آوردیم از کتاب الإحکام فی اصول الأحکام بود. «۱»

۴. اعتراف معروف عمر ... ص: ۴۷

از عمر جمله‌ای به یادگار مانـده که گاهی به عنوان مَثَل از آن اسـتفاده می‌شود و همه مردم حتی کودکان با جمله او آشـنا بوده و یا آن را شنیده‌اند. آن جمله معروف این است که عمر در موارد مختلفی گفت:

لولا علیّ لهلک عمر؛

اگر علی نبود هر آینه عمر هلاک می‌شد.

گاهی عمر به علی علیه السلام چنین می گفت:

لا أبقانی اللّه لمعضلهٔ لست لها یا أبا الحسن؛

ای اباالحسن! خداوند مرا زنده نگه ندارد در هر امر مشکلی که تو حضور نداشته باشی.

عالمانی از اهل سنّت که این سخن عمر را که گفت: «لولا علیّ لهلک عمر» نقل کرده‌اند، عبارتند از:

۱. عبدالرزّاق بن همّام؛

۲. عبد بن حمید؛

---

(۱). الاحکام فی اصول الاحکام: ۲/ ۱۵۱- ۱۵۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۴۸

۳. ابن المنذر؛

۴. ابن ابی حاتِم؛

۵. بیهقی؛

۶. ابن عبدالبرّ؛

۷. محبّ طبری؛

۸. متّقی هندی در کنز العمّال. «۱»

عالمان دیگری هم‌چون عبدالرزّاق صـنعانی، بُخاری، دارقُطْنی و دیگر پیشوایان بزرگ اهل سنّت گفته‌اند: در موارد بیشتری عمر این جمله را به زبان جاری کرده که از آن جمله در جریان زن دیوانه‌ای است که مرتکب زنا شـده بود و عمر امر کرد که او را سـنگسار کنند؛ ولی علی بن ابی طالب علیهما السـلام از این حکم جلوگیری کرد. «۲» در جاهـای دیگر نیز عمر به نادانی خود اقرار کرده که نیاز به ذکر آن موارد نیست؛ اما برای نمونه سخن مَنّاوی را در این زمینه می‌آوریم.

مَنّاوی حدیث شریفی را نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله فرمود:

علیّ مع القرآن والقرآن مع علیّ لن یفترقا حتّی یردا

(۱). الاستیعاب: ۳/ ۱۱۰۳، الریاض النضره: ۲/ ۱۶۱.

(۲). فیض القدیر: ۴/ ۳۵۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۴۹

علیّ الحوض؛

علی با قرآن است و قرآن نیز با علی خواهد بود تا روزی که در قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

وی در شرح این حدیث می گوید: این حدیث از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله وارد شده است.

آن گاه می گوید: احمد بن حنبل چنین نقل کرده که عمر دستور داد زنی را سنگسار کنند؛ ولی در بین راه علی بن ابی طالب آن زن را برگرداند و از اجرای این حکم جلوگیری کرد.

وقتی خبر به عمر رسید گفت: علی هیچ کاری را بدون حکمت انجام نمی‌دهد؛ از این رو شخصی را فرستاد تا مسأله را از او بپرسد.

علی بن ابی طالب نیز در پاسخ گفت:

أما سمعت رسول اللّه صلی اللّه علیه وآله یقول: «رفع القلم عن ثلاثهٔ: عن المجنون حتّی یبرأ وعن الغلام حتّی یدرک وعن النائم حتّی یستیقظ»؛

مگر نشنیده‌ای که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود: «تکلیف از سه گروه برداشته شده است: از دیوانه تا زمانی که سلامتی‌اش را به دست آورد، از کودک تا زمانی که به حدّ بلوغ برسد و از شخصی که در خواب است تا زمانی که بیدار شود».

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۵۰

عمر بعد از فهمیدن این حکم چنین گفت:

لولا علیّ لهلک عمر؛

اگر در این قضاوت علی نبود عمر هلاک می‌شد.

مَنّاوی پس از ذکر این جریان می گوید:

در زمان ابوبکر نیز از این گونه قضاوت‌ها رخ داد که ابوبکر بدون اطّلاع، چنین حکم کرد و علی بن ابی طالب او را از این حکم منع نمود و او تسلیم قضاوت علی بن ابی طالب شد و چنین گفت:

لولا علی لهلک أبوبکر؛ «۱»

اگر علی نبود هر آینه ابوبکر هلاک می‌شد.

البته ما نیز در بعضی از کتاب‌ها موردی را درباره عثمان یافتیم که او نیز به نادانی خود اقرار کرده و گفته است:

لولا علی لهلک عثمان؛ «۲»

اگر علی نبود هر آینه عثمان هلاک می‌شد.

بنابراین چه کسی می‌تواند بر حقّانیت این دین، دلیل و برهان بیاورد و شبهه را پاسخ دهد؟

(۱). فیض القدیر: ۴/ ۳۵۷.

(۲). زین الفتی فی شرح سورهٔ هل أتی: ۱/ ۳۱۸ حدیث ۲۲۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۵۱

ما هم اکنون در قرن پانزدهم زندگی می کنیم از کجا می‌توانیم از حالات امیرالمؤمنین علیه السلام و ابوبکر آگاه شویم و بفهمیم

کدام یک از آن‌ها این توان علمی را داشته است تا برای امر امامت و رهبری مردم به او رجوع کنیم؟

می‌خواهیم- طبق روش اهل سنّت- یکی از آن‌ها را برای امامت برگزینم.

آیا جز از این راه می‌توان از این مسأله آگاه شد؟

آیا راه ما جز این است که همه جریان‌ها و قضیه‌هایی را که چه در امر قضاوت و چه غیر آن رخ داده است در تاریخ مرور کنیم و از این طریق امام و پیشوای مسلمانان را تشخیص دهیم و ببینیم شرط نخست در امر امامت که مورد اتفاق همه مسلمانان و دانشمندان بوده در چه شخصیتی وجود داشته است؟

این امیرالمؤمنین علیه السلام و این قضایای زندگی اوست. آیا او تنها کسی نبود که علم و دانش وی از همه مردم بیشتر بود؟

آیا در امر قضاوت و داوری بین مردم از همه بهتر حکم نمی‌کرد؟

آیا این جریان‌ها و این گفتارها در حقّ او وارد نشده است؟

آیا دیگران در مشکلات علمی و قضاوت‌ها از او کمک نمی‌خواستند؟

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۵۲

آیا حتی یک مورد پیدا می‌شود که مسأله‌ای برای او ناشناخته باشد و برای یادگیری به دیگری رجوع کرده باشد؟

کوتاه سخن این که آیا علی بن ابی طالب علیهما السلام بی‌نیاز از علم و دانش مردم نبود و همه به علم او نیازمند نبودند؟

گسترش علم و دانش به وسیله علی علیه السلام و شاگردان آن حضرت ... ص: ۵۲

با نگاه به تاریخ به خوبی می‌توان دریافت که تمام علوم اسلامی به وسیله حضرت علی علیه السلام و شاگردان آن حضرت که همه از بزرگان صحابه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بودند به شهرهای اسلامی پخش و منتشر می‌شد. ما این مسأله را در جای خود به طور مفصّل بحث کرده‌ایم؛ چرا که در آن زمان مردمِ شهرهایی هم‌چون مدینه، مکه، بصره، کوفه، یمن و شام با اسلام آشنایی داشتند.

با دقت نظر و تحقیقات انجام یافته روشن می‌شود که تمام علومی که به این شهرهای اسلامی منتشر شده تنها به وسیله امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است.

گسترش علم و دانش در شهر مدینه و کوفه بدین جهت است که امیرالمؤمنین علیه السلام عمر گرانبهای خویش را در این دو شهر سپری کرد و مردمِ آن دو شهر را از علم بی‌کران خویش بهره‌مند ساخت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۵۳

پیش از ورود امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حکومت ظاهری به کوفه، صحابی بزرگ رسول خدا عبداللَّه بن مسعود در آن شهر سکونت داشت.

عالم بزرگ شهر شام نیز ابوالدرداء شاگرد عبداللَّه بن مسعود بود که او نیز از شاگردان امیرالمؤمنین علیه السلام بود.

انتشار علم به شهرهای بصره و مکّه نیز توسط عبداللَّه بن عباس، شاگرد مکتب امیرالمؤمنین علیه السلام انجام یافت و علوم اسلامی در آن شهرها منتشر شد.

سبب نشر علم و دانش به شهر یمن نیز مسافرت‌های زیادی بود که حضرت علی علیه السلام به آن شهر داشت که نتیجه آن مسلمان شدن قبیله هَمْدان به دست آن حضرت است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فضایل و امتیازهای دیگری نیز دارد که پیش‌تر آن‌ها را بیان کردیم؛ از جمله حدیث «أنا مدینهٔ العلم»، «أنا دار الحکمهٔ»، احادیث دیگری از این قبیل، روایت‌هایی که در تفسیر آیه «وَتَعِيَها أُذُنٌ واعِيَةٌ» وارد شده، شهادت بزرگان اصحاب

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله و عالمان بزرگ در قرن‌های مختلف در حق آن حضرت و نشر و پخش علوم و معارف اسلامی به تمامی شهرها و آبادی‌ها به دست آن بزرگوار؛ همه این امور و شواهد بیان‌گر این است که تنها مرد میدان علم و دانش

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۵۴

و فضیلت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام است و جز او کسی قدم به این میدان نگذاشت. بنا بر این شرط نخست در امر امامت جز در علی بن ابی طالب علیهما السلام در هیچ کس پیدا نمی‌شود.

اما چون همه این شواهد گویای برتری و مقدّم بودن حضرت علی علیه السلام بر دیگران است؛ از این رو اهل سنّت ناگزیر شده‌اند که احادیث را تحریف کرده و یا آن‌ها را تکذیب نمایند و دروغ جلوه دهند.

حال اگر شما به صحیح تِرمذی مراجعه کنید، حدیث معروف و مشهوری را که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله فرمود: «أنا مدینهٔ العلم وعلی بابها؛ من شهر علم هستم و علی دروازه آن شهر است» در آن کتاب نخواهید یافت با این که بسیاری از بزرگان هم‌چون ابن اثیر جزری، جلال الدین سیوطی، ابن حجر عسقلانی و دیگران این حدیث را نقل کرده و معتبر می‌دانند.

از سوی دیگر ابن تیمیه چاره را در این دیده است که بگوید تمام این احادیث و شواهدی که ذکر شد دروغ و بی‌اساس است. تا آن جا که گفته است: ابن عباس شاگرد علی نبوده است؛ «۱»

---

(۱). منهاج السّنه: ۴/ ۲۲۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۵۵

وی می‌گوید: این که عبداللَّه بن مسعود علم و دانش را از علی فرا گرفته دروغ است.

او حدیث معروف پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله را که فرمود: «من شهر علم هستم و علی دروازه آن شهر است» تکذیب کرده است.

هم‌چنین مجبور شده احادیث بسیاری را تکذیب کند که ما به بعضی از آن‌ها اشاره کردیم.

وی درباره حدیثی که می‌فرماید: «هو الاذن الواعیهٔ؛ آن گوش شنوا علی بن ابی‌طالب است» می‌گوید: این حدیث به اتفاق اهل علم و دانش جعلی است و حقیقت ندارد [!] «۱» در حدیث دیگری پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

أقضاکم علی؛

بهترین شما در امر قضاوت علی بن ابی طالب است.

ابن تیمیه در این باره می‌گوید: این حدیث دروغ است و هرگز ثابت نشده و فاقد سندهایی است که بتوان بر آن استدلال کرد و هیچ کس این حدیث را در سنن‌های مشهور و مسندهای معروف حتّی به سند ضعیف روایت نکرده است. «۲»

---

(۱). همان: ۴/ ۲۱۶.

(۲). همان: ۴/ ۷۳ و ۲۱۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۵۶

در حالی که ما گفتیم این حدیث در صحیح بُخاری، سنن نَسائی و سنن ابن ماجه، الطبقات الکبری، مسند احمد و کتاب‌های دیگر آمده است.

از طرفی دروغ دانستن این احادیث توسط ابن تیمیّه خود دلیل بر حقّانیت این شواهد و برتری امیرالمؤمنین علیه السلام بر دیگران است.

کوتاه سخن این که اگر عالم بودن به اصول و فروع و توانایی در برپا نمودن دلیل و برهان و برطرف کردن شبهه‌ها نخستین شرط مورد اتفاق بین مسلمانان برای امامت است و باید این شرط در آن کسی که او را به عنوان امام برمی گزینند باشد، ما این شرط را در هیچ کس جز علی بن ابی‌طالب علیهما السلام نیافتیم.

حال اهل سنّت در مقابل این دلیل‌ها چه حدیثی را در حقّ ابوبکر روایت کرده‌اند؟ آن‌ها فقط حدیثی را به رسول خدا صلی اللّه علیه وآله نسبت داده‌اند که فرمود:

ما صبّ اللّه فی صدری شیئاً إلّاوصببته فی صدر أبی بکر؛

آن چه خدا در سینه من قرار داد به سینه ابوبکر انتقال دادم.

اگر این حدیث، صحیح است، پس چگونه ابن حزم می گوید:

ابوبکر مسائل زیادی را نمی‌دانست و به دیگران مراجعه می کرد و یا در امر قضاوت، نادانی خود را آشکار می‌ساخت و برای حلّ مشکل از دیگران مدد می گرفت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۵۷

افزون بر این که ابن جوزی این حدیث را در کتاب الموضوعات آورده و با صراحت گفته است که این حدیث دروغ است. «۱» البته ما جز این حدیث، حدیث دیگری را درباره ابوبکر و مقام علمی او نیافتیم. حالا ـ شما چگونه حکم می کنید؟ خداوند متعال می‌فرماید:

«فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ»؛ «۲»

شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می کنید؟

دوم. شجاعت و دلیری ... ص: ۵۷

دومین شرط و صفتی که اهل سنّت در امام لازم می‌دانند شجاعت و دلیری اوست. صاحب شرح المواقف می گوید:

این شرط بدین جهت لازم است که امام قدرت و توانایی کافی را داشته باشد تا از مملکت و کیان اسلام دفاع کرده و در جنگ‌ها با شجاعت و دلاوری، اساس اسلام و دین را حفظ کند.

با مراجعه به روایات و صفحات تاریخ به خوبی روشن می‌شود که چه کسی در جنگ‌ها در رکاب رسول خدا صلی اللّه علیه وآله می‌جنگید

---

(۱). الموضوعات: ۱/ ۳۱۹، الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعه: ۴۵۴.

(۲). سوره یونس: آیه ۳۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۵۸

و با شهامت از دین خدا حمایت می کرد و هرگز جبهه جنگ را ترک نمی کرد.

آری، این امیرالمؤمنین علیه السلام بود که بنا بر باور شیعه و سنّی شجاع‌ترین مردم بود و اساس و پایه‌های ایمان، به شمشیر او محکم و استوار گردید. پرچم اسلام در تمام جنگ‌ها به دست او برافراشته می‌شد و هیچ گاه از صحنه نبرد عقب‌نشینی نمی کرد و در هیچ جنگی دیده نشد که از میدان مبارزه و نبرد فرار کند؛ بلکه همواره برای دفاع از اسلام از جان خود می گذشت و با تمام وجود از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله حمایت می کرد.

به جرأت می‌توان گفت که فداکاری‌ها و جان فشانی‌های حضرت علی علیه السلام آن قدر فراوان است که از حدّ گفتن و روایت

کردن گذشته است؛ بلکه باید با نگاهی عمیق ببینیم که چگونه آن بزرگوار در جنگ‌هایی چون بدر، احد، خیبر، حنین و احزاب از جان خود می‌گذشت تا اسلام زنده بماند و به همین جهت تا به امروز هیچ کس نتوانسته است در شجاعت و دلاوری آن حضرت، شک و شبهه‌ای ایجاد کند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۵۹

سوم. عدالت و دادگری ... ص: ۵۹

اشارة

همان گونه که پیش‌تر گفتیم، صفت و شرط سومی که اهل سنّت برای امام بیان کرده‌اند، عدالت و دادگری است. ما در این باره احادیث بسیاری داریم که مورد اتفاق میان مسلمانان است، اهل سنّت نیز به صحیح بودن آن احادیث اعتراف دارند و تمام آن‌ها شهادت می‌دهند که عادل‌ترین مردم در میان اصحاب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله علی بن ابی‌طالب علیهما السلام است. ما در این زمینه فقط به ذکر دو حدیث اکتفا می‌کنیم:

حدیث یکم. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

کفّی وکفّ علی فی العدل سواء؛

دست من و دست علی در عدالت و دادگری یکسان است.

این حدیث را ابن عساکر در تاریخ مدینهٔ دمشق، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، متّقی هندی در کنز العمّال، صاحب الریاض النضره در مناقب العشرة المبشّره و دیگران روایت کرده‌اند. «۱»

---

(۱). تاریخ مدینهٔ دمشق (شرح حال علی علیه السلام): ۲/ ۴۳۸، حدیث ۹۴۵ و ۹۴۶، تاریخ بغداد: ۸/ ۷۷، در این منبع آمده است: «یدی وید علی فی العدل سواء»، کنز العمّال: ۱۱/ ۶۰۴، حدیث ۳۲۹۲۱، الریاض النضره: ۲/ ۱۲۰، در این منبع آمده است: «کفّی وکفّ علی فی العدد سواء».

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۶۰

حدیث دوم. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

یا علی! اخصمک بالنبوّة ولا نبوّة بعدی وتخصم الناس بسبع ولا یخصمک فیها أحد من قریش: أنت أوّلهم إیماناً باللَّه وأوفاهم بعهد اللَّه وأقومهم بأمر اللَّه وأقسمهم بالسویّة وأعدلهم فی الرعیة وأبصرهم بالقضیّة وأعظمهم عند اللَّه مزیّة؛

ای علی! تو در همه کمالات با من برابر هستی تنها مقام نبوّت در تو نیست؛ چرا که بعد از من دیگر پیامبری نخواهد آمد. تو امتیازهایی داری که هیچ یک از قریش چنین نبودند؛ در میان آن‌ها نخستین کسی هستی که به خدا ایمان آوردی، در پیمانی که با خدا بسته‌ای باوفاترین آن‌ها هستی و در میان قریش تنها کسی هستی که فرمان خدا را اجرا می‌کنی، تو در تقسیم کردن اموال بهترین تقسیم کننده‌ها، در میان مردم عادل‌ترین آن‌ها، در امر قضاوت بیناترین مردم هستی و برتری تو در نزد خدا بس بزرگ و باعظمت است.

این حدیث را ابونعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء، «۱»

نگارنده الریاض

---

(۱). حلیة الاولیاء: ۱/ ۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۶۱

النضره و ابن عساکر نقل می‌کنند. ابن عساکر این روایت را از عمر بن خطاب نقل می‌کند که عمر می‌گوید: کفّوا عن ذکر علی...

آن گاه ابن عساکر این فراز از این حدیث را نیز نقل می‌کند.

البتّه شما می‌دانید آن گاه که عقیل برادر حضرت علی علیه السلام در هنگام تقسیم بیت المال، مال بیشتری را طلب کرد، آن حضرت چگونه عدالت را حتّی در برخورد با برادرش انجام داد و جریان‌های دیگری که در کتاب‌های اهل سنّت نیز آمده است که همه آن‌ها حاکی از عدالت آن حضرت است و ما به جهت طولانی نشدن بحث از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

دیدگاه ابن تیمیّه ... ص: ۶۱

در چنین مواردی که هیچ تردیدی نیست، کسانی هم‌چون ابن تیمیّه تشکیک می‌کنند. برای نمونه سخنان او را در پاسخ علّامه حلّی ملاحظه کنید. وی در پاسخ علّامه حلّی که می‌گوید: «علی بن ابی طالب علیهما السلام شجاع‌ترین مردم است» می‌نویسد: این سخن دروغ بوده و حقیقت ندارد؛ چرا که شجاع‌ترین مردم رسول خداست. «۱» حال ما در پاسخ او می‌گوییم: آیا بحث ما درباره شجاعت

---

(۱). منهاج السّنه: ۴/ ۲۵۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۶۲

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بود؟

آیا کسی در شجاعت پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله شک دارد؟

بحث ما درباره خلیفه و جانشین رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله است که آیا علی بن ابی طالب علیهما السلام است یا ابوبکر؟ آیا علی بن ابی‌طالب علیهما السلام شجاع‌ترین مردم است یا ابوبکر؟

سخن ما در مسأله امامت و شرایط آن است که یکی از شرطهای لازم و مورد اتفاق بین مسلمانان شجاعت امام است، حال ما می‌خواهیم بدانیم این صفت بعد از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در چه کسی وجود داشته است و همگان شجاع‌ترین مردم را چه کسی می‌دانند؟

ملاحظه می‌کنید که چگونه ابن تیمیّه بحث را به بیراهه می‌کشاند و مغالطه می‌کند؟ به راستی چرا او مغالطه می‌کند؟ البته علّت آن معلوم است؛ زیرا پاسخی برای این پرسش ندارد؛ چرا که خود ابن تیمیّه و دیگر عالمان اهل سنّت می‌دانند که ابوبکر و عمر در بیشتر جنگ‌ها از صحنه نبرد فرار می‌کردند و آن دو هرگز در راه خدا نتوانستند حتّی یک نفر را به قتل برسانند.

علامه حلّی رحمه اللَّه در جایی دیگر می‌گوید: علی بن ابی طالب علیهما السلام دشمنان خدا را با شمشیرش کشته است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۶۳

ابن تیمیّه در پاسخ چنین می‌گوید: این که گفته شده «علی بن ابی طالب دشمنان خدا را با شمشیر خود کشته است» شکی نیست که او فقط بعضی از کفّار را کشته است!

به راستی آیا علّامه حلّی رحمه اللَّه گفته است که علی علیه السلام همه کافران را کشته است؟ پس هیچ تردیدی نیست که منظور علّامه نیز همین بوده که علی علیه السلام عدّه‌ای از کفار را به قتل رسانده است.

ابن تیمیّه در جای دیگری می‌گوید: کسانی که در جنگ‌ها به شجاعت مشهور بودند هم‌چون: عمر، زبیر، حمزه، مقداد، ابوطلحه، براء بن مالک و دیگران نیز عدّه زیادی از کفّار را با شمشیر به قتل رسانده‌اند.

اگر کسی از ابن تیمیّه بپرسد: کافرانی که به دست عمر کشته شده‌اند کدام گروه از کفّار هستند؟

در پاسخ چنین می‌گوید: قتل گاهی با دست انجام می‌شود، همان گونه که علی می‌کشت و گاهی نیز به وسیله دعا صورت می‌گیرد.

وی در کتاب منهاج السنّه تصریح کرده است که عمر گروهی از کفّار را با دعا به قتل رساند و این هیچ مانعی ندارد!

و آن گاه که از شجاعت ابوبکر از او سؤال می‌کنیم؛ چرا که دومین شرط امام، شجاعت اوست؟ در جواب- بدون کم و زیاد-

چنین می‌گوید:

اگر شجاعتی که از پیشوایان پسندیده است قوّت قلب و شجاعت باطنی باشد؛ پس شکی نباید کرد که شجاعت ابوبکر از عمر بیشتر است و عمر نیز از عثمان، علی، طلحه و زبیر شجاع‌تر است؛ چرا که ابوبکر در جنگ بدر با پیامبر در عریش «۱» به سر برد. «۲» بنابراین شجاعت ابوبکر به قوّت قلب اوست و او با همین قوّت قلب در میدان‌های رزم و مبارزه پیکار می‌کرد. پس شجاعت دو معنا دارد:

۱. شجاعتی که هر عرب زبانی معنای آن را می‌فهمد؛

۲. شجاعت دیگر به معنای قوّت قلب است و ابوبکر چنین شجاعتی را دارا بود!

آری، ابن تیمیّه شجاعت ابوبکر و عمر را چنین بیان می‌کند و جوابی می‌دهد که شما در هیچ کتابی آن را ندیده و نخواهید دید. او عمر را انسانی مبارز و جنگجو قلمداد می‌کند؛ ولی می‌گوید که قدرت او در بازو و بدنش نبود؛ بلکه به وسیله دعا کردن با دیگران می‌جنگید و همان گونه که پیکار و نبرد به وسیله دست و قدرت بدن انجام می‌شود

---

(۱). عریش: هر پوششی که سایه افکند، سایه بان؛ فرهنگ فارسی معین: ۲/ ۱۵۸۷.

(۲). منهاج السنّه: ۴/ ۲۵۶.

به وسیله دعا کردن نیز صورت می‌پذیرد!

ابن تیمیّه ابوبکر را نیز انسان شجاعی می‌داند؛ ولی همان شجاعت قلبی که در پیشوایان پسندیده است و می‌گوید که شجاعت او به قوّت قلب اوست. اما علی شجاعت جسمی داشت؛ ولی از این شجاعت باطنی محروم بود و بهره‌ای نداشت.

با پاسخ‌های پوچ و بی‌اساس ابن تیمیّه یقین می‌کنیم که استدلال‌های ما، درست است و در غیر این صورت باید برای معنای پیکار و جنگیدن در راه خدا معنای دیگری بیابیم و بگوییم که دعا کردن نیز خود نوعی جنگیدن در راه خداست!

علاوه بر این که اگر آن دو نفر شجاعت باطنی و قوّت قلب داشتند پس چرا در جنگ‌ها فرار می‌کردند؟

هیچ شکی نیست که ابوبکر و عمر در جنگ احد صحنه نبرد را خالی نموده و فرار کردند. این مطلب چنان قطعی است که پیشوایان اهل سنّت نیز به آن اعتراف دارند؛ کسانی چون ابوداوود طیالسی، ابن سعد نویسنده الطبقات الکبری، ابوبکر بزّار، طبرانی، ابن حِبّان، دارقُطْنی، ابونعیم اصفهانی، ابن عساکر، ضیاء مَقْدِسی و دیگر بزرگان اهل سنّت این حقیقت را در کتاب‌هایشان آورده‌اند. «۱»

---

(۱). ر. ک: کنز العمّال: ۱۰/ ۴۲۴.

ابوبکر و عمر در جنگ خیبر نیز فرار را بر ماندن ترجیح دادند.

این خبر را احمد بن حنبل، ابن ابی شیبه، ابن ماجه، بزّار، طبری، طبرانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ضیاء مَقْدِسی، هیثمی و جمع زیادی از اهل سنّت ذکر کرده‌اند. متّقی هندی در کنز العمّال خبر فرار آن‌ها را از همه کسانی که نام بردیم روایت می‌کند. «۱»

حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین حدیثی را به سند صحیح روایت کرده که ابن عباس گوید: در جنگ حنین تنها کسی که از میدان کارزار فرار نکرد و در کنار پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌جنگید علی بن ابی طالب علیهما السلام بود. «۲»

در جنگ خندق نیز حماسه آفرینی علی علیه السلام معروف است.

در این نبرد بود که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله آن سخن معروف را فرمود:

لضربهٔ علی فی یوم الخندق أفضل من عبادهٔ الثقلین؛ «۳»

یک ضربت علی در جنگ خندق بر عبادت جن و انس برتری دارد.

یا این که حضرتش فرمود:

---

(۱). همان: ۱۰/ ۴۶۱.

(۲). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۱۱.

(۳). شرح المواهب اللدنّیهٔ: ۸/ ۳۷۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۶۷

لضربهٔ علی فی یوم الخندق أفضل من عبادهٔ الامّهٔ إلی یوم القیامهٔ؛ «۱»

یک ضربت علی در جنگ خندق از عبادت تمام امّت تا روز قیامت بهتر و برتر است.

چکیده سخن ... ص: ۶۷

اشارهٔ

پیش‌تر گفتیم که با توجه به منابع اهل سنّت برای امام سه ویژگی لازم و ضروری است: علم، شجاعت و عدالت.

همه مسلمانان درباره این سه ویژگی اتفاق نظر دارند و بر این باورند که کسی که مردم او را به عنوان جانشین پیامبر و امام بعد از او اختیار می‌کنند باید این سه ویژگی را دارا باشد تا صلاحیت رهبری مردم را داشته باشد و اگر یکی از این ویژگی‌ها در او نباشد، چنین کسی لایق این مقام نخواهد بود.

در میان اصحاب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله این کمالات و فضایل را تنها در وجود علی بن ابی طالب علیهما السلام می‌بینیم و این سه ویژگی در وجود هیچ کس غیر از ایشان دیده نشده است.

اگر فرض کنیم و بگوییم ابوبکر و عمر نیز از این ویژگی‌ها

---

(۱). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۳۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۶۸

بهره‌مند بوده‌اند، ما با دلیل‌های روشن و واضح و با اعتماد بر کتاب‌های معتبر اهل سنّت ثابت می‌کنیم که علی علیه السلام عالم‌ترین، شجاع‌ترین و عادل‌ترین مردم در میان اصحاب رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بوده است و با اثبات برتری آن حضرت بر

دیگران، عقل حکم می کند که علی بن ابی طالب علیهما السلام از همه امّت برای امامت و رهبری سزاوارتر است.

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

«أَ فَمَنْ يَهْدی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لايَهِدّی»؛ «۱»

آیا کسی که به حق هدایت می کند برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کس که هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟

حال اگر کسی به احکام و مسائل شرعی جاهل بوده و حتّی از یک حکم فرعی نیز آگاه نباشد و برای نمونه اگر نداند که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله در نماز عید فطر و یا عید قربان چه سوره‌ای را می‌خواندند، آیا می‌توان این شخص را در جای پیامبر قرار داد و جانشین رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله خواند؟

آیا چنین کسی قدرت دارد با دلیل‌های روشن و واضح از دین و شریعت خاتم الانبیاء دفاع کند و در برابر شبهه‌هایی که از ملّت‌ها

---

(۱). سوره یونس: آیه ۳۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۶۹

و آیین‌های مختلف مطرح می‌شود پاسخ‌گو باشد؟ پس آنان را چه می‌شود؟ چگونه داوری می کنند؟

سخن پایانی، ترجیح مفضول بر فاضل ...! ص: ۶۹

عقل هر انسانی حکم می کند که مقدّم کردن غیر عالم بر عالم قبیح و ناپسند است. بنابراین فردی مانند ابن تیمیّه چون این حکم عقل را پذیرفته و در کتاب منهاج السنّه چندین مرتبه بر این امر تأکید کرده است، چاره‌ای ندارد که به امامت حضرت علی علیه السلام ملتزم شود؛ زیرا این حکم عقل انکارناپذیر است؛ از این رو ناگزیر شده احادیثی را که از جهت سند قطعی و یقینی بوده، دروغ و بی‌اساس بداند. او ناچار است به دروغ‌گویی روی آورد گرچه این حدیث در کتاب‌های معتبر اهل سنّت هم‌چون صحیح بخاری و صحیح مسلم با سندهای صحیح و قطعی آمده باشد. وی جز این که از اصل، چنین احادیثی را انکار کند راه دیگری ندارد؛ زیرا دشمنی او با امیرالمؤمنین علیه السلام وی را از اعتراف به حق و ملتزم شدن در برابر آن باز می‌دارد.

ولی ما این حقایق را با استدلال کامل بیان می کنیم، امید است بعضی از کسانی که کورکورانه از او تقلید می کنند به سوی حق باز گردند یا حجّت بر آن‌ها تمام شود تا آن‌ها که هلاك و گمراه می‌شوند از روی حجّت و دلیل باشد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۷۰

آری، کسانی به صحیح بودن این احادیث اعتراف دارند؛ ولی تقدیم غیر عالم را بر عالم قبیح نمی‌دانند! بنا بر این کسانی که به امامت ابوبکر و عمر اعتقاد دارند، دو گروه هستند:

گروه نخست: کسانی که تقدیم فرد ناآگاه را بر انسان آگاه قبیح نمی‌دانند، ولی تمام احادیث و روایات را قبول دارند که فضل بن روزبهان از این گروه است.

گروه دوم: کسانی که این حکم عقلی را قبول دارند؛ ولی روایاتی را که به سندهای صحیح وارد شده دروغ می‌دانند همانند ابن تیمیّه که همه احادیث را رد کرده است.

فضل بن روزبهان و ابن تیمیّه استدلال‌هایی را که علّامه حلی رحمه اللَّه بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام آورده رد کرده و هر کدام راهی را انتخاب کرده‌اند.

ابن روزبهان هم‌چون ابن تیمیّه ناگزیر به تصرف‌های قبیح و ناپسند نمی‌شود. وی می گوید: واجب نیست که امام بر دیگران برتری داشته باشد؛ بلکه اگر فردی نادان بر انسان دانا مقدّم شود قبیح نخواهد بود و با این سخن، حکمی کرده است که از ابتدای آفرینش

جهان تا روز رستاخیز هیچ صاحب عقلی چنین حکم نمی‌کند.

از آن طرف ابن تیمیّه مطابق این حکم عقلی سخن گفته؛ ولی تمام

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۷۱

روایات صحیح را دروغ دانسته و معنای شجاعت، کشتن و جنگیدن در راه خدا را تغییر داده است.

با مراجعه به کتاب المواقف، شرح المواقف، شرح المقاصد و دیگر کتاب‌های اهل سنّت روشن می‌شود که همه آن‌ها پریشان شده و به آن چه می‌گویند علم ندارند و ندانسته حکم می‌کنند. گاهی تقدیم غیر عالم بر عالم را قبیح می‌دانند و این احادیث را صحیح می‌شمارند و گاهی در این حکم تردید کرده و گویا نمی‌دانند که این قاعده عقلی قبیح است یا نه؛ از این رو بحث را به حال خود رها می‌کنند.

اکنون سخن قاضی ایجی صاحب کتاب المواقف را نقل می‌کنیم تا روشن شود که چگونه در این مسأله پریشان حال و سرگردان شده و سکوت اختیار کرده است. نه این حکم را قبیح می‌داند و نه آن را رد می‌کند؛ ولی ما می‌دانیم علّت سرگردانی او این است که به آن چه می‌گوید علم ندارد و ندانسته سخن می‌گوید.

وقتی از قاضی ایجی سؤال می‌شود که درباره برتری علی علیه السلام بر ابوبکر چه فتوایی دارد؟ و آیا ابوبکر را بر علی بن ابی طالب مقدّم می‌دارد یا نه؟

چنین پاسخ می‌دهد: تشخیص برتری یکی از این دو بر دیگری از عهده ما بیرون است و ما نمی‌توانیم به این امر پی ببریم؛ ولی اصحاب

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۷۲

رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله ابوبکر، عمر و عثمان را بر علی مقدّم کردند و آن‌ها را بر علی برتری دادند، گمان نیکو به اصحاب پیامبر ما را به پیروی از روش ایشان دعوت می‌کند. ما این امر را به خدا واگذار می‌کنیم!

او با این پاسخ از بیان حقیقت فرار کرده و اصحاب را مسئول این امر می‌داند.

به قاضی ایجی باید گفت: با این پاسخی که شما داده‌اید دیگر بحث کردن در این مسأله سودی نخواهد داشت و نیازی نیست شما خود را به زحمت انداخته و این مطلب را در کتاب خود که از مهم‌ترین کتاب‌های علم کلام است بیاورید؛ بلکه از آغاز کلام باید بگویید که اصحاب چنین کردند، ما هم از آن‌ها پیروی کردیم و اعتقادمان طبق عمل آن‌هاست و خود نظری در این مسأله نداریم.

آری، روش آنان همواره این گونه است و «ما از آنِ خداییم و به سوی او باز می‌گردیم»، «و کسانی که ستم کردند، به زودی خواهند دانست که به کدامین جایگاه باز می‌گردند» و صلوات خدا بر آقا و سرور ما حضرت محمّد صلی اللّٰه علیه وآله و خاندان پاک او باد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامت‌امیرالمومنین، ... ص: ۷۳

کتاب نامه ... ص: ۷۳

قرآن کریم.

الف

۲. اتحاف السادهٔ المتقین: زبیدی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۳. الإحکام فی اصول الأحکام: علی بن محمّد آمدی، دار الکتاب عربی، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۰۶.

۴. الإستیعاب: ابن عبدالبرّ، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۵. أسد الغابه: ابن اثیر، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۶. الأسرار المرفوعهٔ فی الأخبار الموضوعه: ملا علی قاری، المکتب الإسلامی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۶.

۷. أسنی المطالب فی أحادیث مختلفهٔ المراتب: محمّد بن درویش الحوت بیروتی، مکتبه التجاریهٔ الکبری، مصر، چاپ یکم، سال ۱۳۵۵.

ب

۸. البدایهٔ والنهایه: حافظ ابی فداء اسماعیل بن کثیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامتامیرالمومنین، ... ص: ۷۴

ت

۹. تاریخ الخلفاء: جلال الدین سیوطی، از منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۱۰. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۱۱. تاریخ جرجان: حمزهٔ بن یوسف بن ابراهیم سهمی قرشی جرجانی. ۱۲. تاریخ مدینهٔ دمشق: حافظ ابی القاسم علی بن حسن، معروف به ابن عساکر، دار الفکر، بیروت، سال ۱۴۱۵.

۱۳. ترجمهٔ أمیرالمؤمنین علیه السلام من تاریخ مدینهٔ دمشق: حافظ ابی القاسم علی بن حسن، معروف به ابن عساکر، مؤسسه محمودی، بیروت.

۱۴. تذکرهٔ الحفّاظ: ذهبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

۱۵. تفسیر الکشّاف: زمخشری، شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی بابی حلبی، مصر، سال ۱۳۸۵.

۱۶. تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن): محمّد بن جریر طبری، دارالمعرفه، بیروت، سال ۱۴۱۲.

۱۷. تفسیر فخر رازی (تفسیر الکبیر): امام فخر رازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامتامیرالمومنین، ... ص: ۷۵

۱۸. تهذیب الآثار: محمّد بن جریر طبری، مطبعه مدنی، مؤسسه السعودیه، مصر، سال ۱۴۰۲.

۱۹. تهذیب الأسماء واللغات: نَوَوی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

۲۰. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال: جمال الدین ابی الحجاج یوسف مزی، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۵.

ج

۲۱. جامع الأُصول: ابن اثیر، دار الفکر، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۲۲. الجامع الصغیر: جلال الدین سیوطی، دار الفکر، چاپ یکم، سال ۱۴۰۱.

ح

۲۳. حلیهٔ الأولیاء: ابونعیم اصفهانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

د

۲۴. الدرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۲۱.

ر

۲۵. الریاض النّضره: محبّ الدین طبری، دار الکتب علمیّه، بیروت،

سلسله پژوهش های اعتقادی، امامتامیرالمومنین، ... ص: ۷۶

لبنان.

ز

۲۶ زین الفتی فی شرح سورهٔ هل أتی: احمد بن محمّد عاصمی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۸.

س

۲۷. سنن تِرمذی: محمّد بن عیسی بن سوره تِرمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

ش

۲۸. شرح المواقف: سیّد شریف جرجانی، از منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۲.

۲۹. شرح المواهب اللدنّیه: قسطلانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۳۰. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷.

ص

۳۱. الصواعق المحرقه: ابن حجر هیتمی مکّی، مکتبهٔ القاهرهٔ، قاهره، مصر.

ف

۳۲. فردوس الأخبار: شیرویه بن شهردار بن شیرویه دیلمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۸.

۳۳. فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام: احمد بن حنبل شیبانی.

۳۴. فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر: مَناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ک

۳۵. کنز العُمّال: متّقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

م

۳۶. مجمع الزوائد و منبع الفوائد: حافظ نورالدین علی بن ابی‌بکر هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۳۷. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۳۸. مشکاهٔ المصابیح: خطیب تبریزی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۳۹. المعجم الکبیر: سلیمان بن احمد لخمی طبرانی، دار احیاء التراث، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴.

۴۰. المناقب: ابن مغازلی، دار الأضواء، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۲۱۴.

۴۱. منهاج السنّهٔ النبویّه: ابن تیمیّه حرّانی، مکتبه ابن تیمیه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

۴۲. الموضوعات: ابن جوزی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ن

۴۳. نظم درر السّمطین: جمال الدین محمّد بن یوسف زرندی حنفی.

۴۴. نگاهی به حدیث منزلت: سید علی حسینی میلانی، مرکز حقایق اسلامی، قم، چاپ یکم، سال ۱۳۸۷ ش.

(۱۶)

Scaled by Intellect)peace be upon him(Amir al -Mu'mininof the Faithful،Imamate of the Commander

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای


WWW